

بدون تحقیق، علم معنایی ندارد

1394-9-29

مسئول مدرسه علمیه امام رضا (ع) گفت: تحقیق، علم و پژوهش؛ چنان پیوندی با هم دارند که می‌توان گفت: بدون تحقیق، علم معنایی ندارد.

کسی که محقق نباشد، نمی‌تواند عالم باشد

آیت الله رشاد تولیت مدرسه علمیه امام رضا (ع) در مراسمی که برای بزرگداشت روز پژوهش انجام گرفت گفت: متأسفانه توجه به مناسبت هفته پژوهش، در حوزه‌ها کم رنگ است. قهراً اهمیت موضوع اقتضا می‌کند که این امر مهم قلمداد گردد.

رئیس شورای حوزه علمیه استان تهران ادامه داد: اصولاً تحقیق، علم و پژوهش چنان پیوندی باهم دارند که می‌توان گفت: بدون تحقیق، علم معنایی ندارد. لذا کسی که محقق نباشد، نمی‌تواند عالم باشد.

این استاد اخلاق در مورد کسب علم گفت: به دست آوردن علم غیر از راه تحقیق، «علم حصولی» است. علم آگاهانه نیست. بلکه مجموعه گزاره‌ها و مطالبی است که در ذهن، بدون نگاه ثانوی، حفظ و انباشته می‌شود و دارای «معرفت تام» نیست. معرفت تام، زمانی به دست می‌آید که همراه با خودآگاهی باشد.

با روش حافظه محوری، «علم» منتقل نمی‌شود

رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در انتقاد به «حفظ محوری» علم، خاطر نشان کرد: شیوه‌های رایج حافظه محوری و انباشت مجموع گزاره‌ها، علم را منتقل نمی‌کند. تا زمانی که «منتقدانه» با قضایا مواجه نشویم، مسئله حل و هضم نشده، بلکه طوطی وار حفظ می‌شود و تا زمانی که حافظه باقی است، می‌گویید عالم هستم. لذا علم، تا از راه تحقیق به دست نیاید، در ذهن تثبیت نمی‌شود. هم‌چنان که گفته شده: «الدرسُ حرفٌ و التکرارُ الف»؛ انسان بارها باید تکرار کند، تا در ذهن تثبیت شود.

وی ادامه داد: شیوه حافظه محوری، دانش پژوه را تبدیل به ضبط می‌کند. در اینجا مشخص است که فرد، دانش را نپژوهیده است. حداکثر می‌توان گفت که دانش آموز است. حفظ، غیر از فهم است. «فهم» فقط با تحقیق به دست می‌آید و آشنایی با حقایق، غیر از فهم است.

شیوه آموزش ما باید پژوهش محور و فهم‌مدار باشد

این استاد حوزه در خصوص شیوه‌های اقتباس شده از غرب گفت: «فهم» با پژوهش اتفاق می‌افتد. ما برای رسیدن به این مهم، باید شیوه آموزش را تغییر دهیم. ما یک شیوه حافظه محور را از غرب اقتباس کرده‌ایم که در این شیوه در حوزه‌های علمیه نیز رواج یافته است. به همان سبک و سیاق برنامه‌ریزی می‌کنند و به شیوه تستی یا تشریحی سؤالاتی را می‌پرسند که طلبه حفظ کرده باشد. این هم دانشگاه و هم حوزه علمیه را باچالش مواجه می‌کند. گاهی زیان آن، بر منافع آن غلبه دارد. روش باید تغییر کند. پژوهش محور و فهم‌مدار باشد.

مسئول مدرسه امام رضا (ع) خاطر نشان کرد: هرچند در گذشته، بعضی از دروس حوزه‌های علمیه حافظه محور بوده و در مقطعی به حفظ تأکید داشت، اما این حافظه محوری، به سمت «درک محوری» و «پرورش مآلی» حرکت می‌کرد.

وی ادامه داد: مثلاً در سال اول و دوم، بر حفظ قواعد اصرار داشتند. هر چند درباره آن نیز افراط می‌شد اما با این حال در همان دوره، ادبیات نیز به صورت اجتهادی خوانده می‌شد. به طور نمونه «مغنی اللیب» یک درس کاملاً اجتهادی در ادبیات عرب به شمار می‌رفت؛ یعنی هرچه سطوح تحصیلی بالاتر می‌رفت، محققانه خوانده می‌شد.

نمی‌توان بدون قوه اجتهاد، نظریه پردازی کرد

این استاد اخلاق در خصوص فهم درست مطالب علمی گفت: نمی‌توان بدون قوه اجتهاد، نظریه پردازی کرد. نظریه پردازی، از فهم درست آغاز می‌شود. باید به آراء دیگر مسلط شد، به نقد آن‌ها پرداخته و رأی جدید را ابداع کرد. اما اگر همه آراء را هم بلد باشیم و عمده نظریات را رد و نقد کنیم، این هم نظریه پردازی نیست.

رئیس شورای حوزه علمیه استان تهران خاطر نشان کرد: حتی اگر مجتهد باشیم - که لازمه آن توان نقد آراء دیگر است اگر نقد کنیم- هنوز علم جدیدی تولید نکرده‌ایم. حتی بزرگ‌ترین نوابغ ما - که نقطه عطف هستند- لزوماً نظریه پردازی نکرده‌اند؛ بلکه نظریه دیگری را پذیرفته‌اند. البته هرچند این کار تقلید محض نیست - پذیرش محققانه هست خوب است - ولی نظریه پردازی نیست.

آیت الله رشاد نظریه را این‌گونه تشریح کرد و گفت: با بررسی پیشینه، می‌توان گفت که نظریه چیست. گاهی در پیشینه متوجه می‌شویم که این نظریه بوده است. به طور مثال: در حکمت نظری، تقسیم مدرکات به حقایق و اعتباریات که یکی از شاه کارهای علامه طباطبائی است، همه فکر می‌کنند که علامه مبدع بوده است. در حالی که قبل از ایشان مرحوم محقق اصفهانی آن را مطرح کرده است و علامه آن را پروراند است.

وی ادامه داد: در اصول، هر چند شیخ انصاری از شخصیت‌های برجسته علم اصول به شمار می‌رود و سهم بزرگی در این علم دارد؛ هم‌چنان که مشهور شده، تقسیم حکم به واقعی و ظاهری، منسوب به ایشان است. در حالی که پیشینه این بحث را قبل از ایشان، فاضل تونی در الوافی، مطرح کرده است. حتی تقسیم اصول عملیه نیز قبل از ایشان مطرح بوده است.

این استاد حوزه تصریح کرد: نکته قابل ذکر این که هر چیزی به صرف نو بودن، به معنی نظریه جدید بودن نیست. بدون اجتهاد، احدی نمی‌تواند ادعای نظریه پردازی کند. در تحقیق وقتی شخص به قوه اجتهاد رسید، شخص نظریه پرداز می‌شود. متأسفانه امروزه هم در حوزه و دانشگاه، به مسئله تحقیق توجه نمی‌شود. هر چند در حوزه و دانشگاه، محققان برجسته‌ای وجود دارند.

«اخلاق پژوهشی» از محورهای اصلی تحقیق و پژوهش

وی یکی از موضوعات و محورهای پژوهش را اخلاق تحقیق و پژوهش دانست و گفت: آیا ما به قوانین فقهی و حکمی تحقیق التزام داریم؟ آیا ما در بین ابواب فقه، بابی مربوط به فقه علم و احکام علم گشوده‌ایم؟ ما در اوایل بسیاری از رسائل قدما می‌بینیم که درباره علم، باب گسترده‌ای باز کرده‌اند.

وی ادامه داد: به طور نمونه، اگر در «اخلاق پژوهشی» کسی مطلبی را از دیگری گرفت و ارجاع نداد این

سرقت است و خلاف شرع است. غالب فقها، قائل به «مالکیت فکری» هستند. کسی که عمری را صرف کرده و نظریه‌ای را تولید کرده است، اینکه مطلبی از او گرفته شود و ارجاع ندهند، بدون رضایت او سرقت علمی محسوب می‌شود. فراتر از حکم فقهی، احکام اخلاقی نیز دارد. علم آموزی، تحقیق و کتابت هم اخلاق دارد.

رئیس شورای حوزه علمیه استان تهران در پایان خاطر نشان کرد: بزرگی مثل صاحب جواهر، کتاب خود را در قالب شرح می‌نویسد، نه یک کتاب مستقل. یک جهت آن رعایت اخلاق است. بزرگان ما مطالب خود را در قالب شرح نویسی، پاورقی و حاشیه نویسی یا فتوا ذیل احکام دیگر، بسنده کرده‌اند. بخشی به اخلاق علم بازگشت دارد. ما هم فقه تحقیق داریم و هم فقه علم داریم که باید درعمل، به آن ملتزم باشیم.